



ظلم

کلیدواژه: شرک، ظلم، گناه، اذیت، تعدی، تجاوز.

پرسش: ظلم چیست و چه گناهی ظلم هستند؟

پاسخ: ظلم دو معنا دارد؛ یکی جامع همه ردایل بوده، و شامل ارتکاب هر یک از زشتی‌های شرعی و عقلی است. و دیگری ضرر و اذیت رسانیدن به غیر، از قبیل: کشتن و یا زدن، **دشنام** و **فحش**، **غیبت**، تصرف مال غیر به ناحق و یا غیر اینها از کردار یا گفتاری که باعث اذیت دیگری شود. بنابر این، ظالم به کسی می‌گویند که خود را به سپاس‌گزاری از نعمت‌های بی‌شمار الهی و مراعات تکالیف شرعی ملزم نمی‌داند و در برابر توانایی‌ها و استعدادهاش مسئولیتی احساس نمی‌کند و از سویی حقوق دیگران را نیز پایمال می‌کند.
در نگاهی کلی، هر **گناه** خود مصداقی از ظلم است؛ اما در مقام تعیین مصداق، آیات و روایات به ظلم بودن برخی گناهان مانند: **شرک**، مراعات نکردن **حدود الهی**، **دوستی با دشمنان دین خدا**، گرفتن **ریا** و... تصریح نموده‌اند.

فهرست مندرجات

- ۱ - ظلم در لغت
- ۱.۱ - معنای دیگر
- ۲ - ظلم به معنای عام
- ۳ - ظلم به معنای خاص
- ۴ - ظلم در آیات
- ۵ - ظلم در روایات
- ۶ - اقسام ظلم
 - ۶.۱ - روایات حق الناس
 - ۶.۲ - نظر ملا احمد نراقی
- ۷ - ظلم گناه کبیره
- ۸ - منشأ ظلم
- ۹ - علت ظلم
- ۱۰ - مصادیق ظلم
 - ۱۰.۱ - تجاوز از حدود الهی
 - ۱۰.۲ - توبه نکردن بعد از گناه
 - ۱۰.۳ - دوستی با دشمنان دین خدا
 - ۱۰.۴ - پرداخت نکردن انفاق واجب
 - ۱۰.۵ - ریا
 - ۱۰.۶ - تکذیب آیات الهی
 - ۱۰.۷ - تأخیر در پرداخت بدهی
 - ۱۰.۸ - سه نشانه ظالم
 - ۱۰.۹ - شرک به خدا
- ۱۱ - عدالت به معنای خاص
- ۱۲ - عدالت به معنای عام
- ۱۳ - عدالت در روایات
 - ۱۳.۱ - روایت امام صادق
 - ۱۳.۲ - عدالت انوشیروان
- ۱۴ - پانویس
- ۱۵ - منبع

ظلم در لغت

«ظلم» در لغت، به معنای کار بی‌جا انجام دادن، [۱] [۲] [۳] و خروج از حد میانه‌روی [۴] است. ظلم به این معنا، جامع همه ردایل، و ارتکاب هر یک از زشتی‌های شرعی و عقلی را شامل است. و این، ظلم به معنای اعم است. [۵]

← معنای دیگر

برای ظلم، معنای دیگری نیز وجود دارد که عبارت است از: ضرر و اذیت رسانیدن به غیر، از قبیل: کشتن و یا زدن، دشنام و فحش دادن، غیبت، تصرف کردن مال غیر به ناحق و یا غیر اینها از کردار یا گفتاری که باعث اذیت دیگری شود. و این، ظلم به معنای اخص است. [۶] [۷] بیشتر آنچه در آیات و روایات و عرف مردم ذکر می‌شود این معنا مراد است.

پس اصطلاح معروف «ظلم» به معنای رعایت نکردن حق است. در این تعریف، حق جایگاهی محوری دارد. علمای اخلاق، ظلم را به اعتبار کسانی که هر یک به نوعی حقی بر انسان دارند، به انواعی تقسیم کرده‌اند: ظلم به خدا، ظلم به خود و ظلم به دیگران. ظلم در تمام این موارد، به معنای عدم مراعات حقوقی است که انسان در برابر آنها مسئول است.

بنابراین ظالم به کسی می‌گویند که خود را به سپاس‌گزاری از نعمت‌های بی‌شمار الهی و مراعات تکالیف شرعی ملزم نمی‌داند و در برابر توانایی‌ها و

استعدادهایش مسئولیتی احساس نمی‌کند و از سویی حقوق دیگران را نیز پامال می‌کند. [۸]

ظلم به معنای عام

ظلم و ستمکاری عبارت است از انجام دادن هر عمل بد و قبیح شرعی یا عقلی؛ این معنای ظلم، جامع تمام ردایل و صفات پست و ناپسند است، و این ظلم به معنای عام است.

ظلم به معنای خاص

ولی ظلم به معنای خاص که در آیات و روایات و عرف و اصطلاح متعارف آن بین مردم شایع است، عبارت است از: ضرر و زیان و **اذیت** و **آزار** رسانیدن به دیگران. همه ی مردم دنیا و **مذاهب** مختلف، حتی کسانی که عقیده به هیچ دینی ندارند، ظلم و ستم را قبیح می‌دانند، و **فطرت** بشری، به پست بودن و نتیجه ی بد آن اعتراف می‌کند.

ظلم در آیات

آیات و روایات **متواتر** فراوانی، تهدید به **کیفر** و **عذاب** آن، هم در **دنیا** و هم در **آخرت** نموده اند. **خداوند** تبارک و تعالی می‌فرماید: «و لا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ، مُهْطِعِينَ مُقْنِعِينَ رُؤْسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفِيدَتْهُمْ هَوَاهُ؛ [۹] هرگز گمان مبر که خدا از آنچه ظالمان انجام می‌دهند غافل است (بلکه کیفر آنان را) برای روزی تأخیر انداخته است که چشم‌ها در آن روز از وحشت، از حرکت باز می‌ایستند؛ گردن‌های آنان کشیده، سرها به آسمان بلند، حتی پلک چشمشان از حرکت باز می‌ماند و دل‌های آنان فرو می‌ریزد و خالی می‌گردد.» «و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ؛ [۱۰] و به زودی آنان که ظلم کردند خواهند دانست که بازگشت و دگرگونی آنان چه خواهد بود.» «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَتَّعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ [۱۱] راه مؤاخذه و گرفتاری برای کسانی است که به مردم ستم کنند و در زمین به ناحق سرکشی نمایند، که آنان عذابی دردناک خواهند داشت.»

ظلم در روایات

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) می‌فرماید:

«أَنَّ اَهْوَنَ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ مِنْ وَلِيِّ امْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَئِمَّ يَعْدِلُ لَهُمْ؛ [۱۲] در نزد خداوند، خوارترین مردم کسی است که **حکومت** مسلمین در دست او باشد و به عدالت بین آنان رفتار نکند.»

«اتَّقُوا الظلم فَاِنَّهٗ ظلمات يَوْمَ الْقِيَمَةِ؛ [۱۳] [۱۴]؛ از ظلم کردن بپرهیزید؛ زیرا ظلم، تاریکی روز **قیامت** است.»

امام سجاد(علیه السلام) هنگام وفات، بر فرزندش **امام باقر(علیه السلام)** فرمود:

«یا بنی ایتاک و ظلم من لا یجد علیک ناصراً الا الله؛ [۱۵] فرزندم، زنهار از ظلم نمودن بر کسی که یار و یاور و دادرسی غیر از خدا نداشته باشد.»

امام باقر(علیه السلام) نیز می‌فرماید:

«ما من احد یظلم بمظلمة الا اخذه الله تعالی بها فی نفسه او ماله؛ [۱۶] [۱۷]؛ هیچ کس به دیگری ظلم نمی‌کند، مگر این که خدای تعالی او را به همان ظلم گرفتار می‌کند، چه درباره ی جان باشد، یا مال باشد.»

اقسام ظلم

«الظلم ثلاثة ظلم بغيره الله تعالی و ظلم لا یغفره الله تعالی و ظلم لا یدعه فاما الظلم الذی لا یغفره الله عزوجل فالشرك و اما الظلم الذی یغفره الله عزوجل فظلم الرجل نفسه فیما بینة و بین الله عزوجل و اما الظلم الذی لا یدعه فالدابنة بین العباد [۱۸] [۱۹]؛ ظلم سه قسم است: ظلمی که خدا آن را می‌آمرزد و ظلمی که خدا نمی‌آمرزد و ظلمی که خدا از آن صرف نظر نمی‌کند؛ اما ظلمی که خداوند نمی‌آمرزد، **شُرک** به خداست؛ و اما ظلمی که می‌آمرزد، ظلمی است که **انسان** به خودش می‌کند در آنچه میان او و خدای عزوجل است؛ و اما ظلمی که از آن صرف نظر نمی‌کند، حقوق و دیونی است که بندگان بر گردن یکدیگر دارند (که تا طرف حق راضی نشود و گذشت نکند خدا صرف نظر نمی‌کند.»

← روایات حق الناس

درباره حقوق الناس، به خصوص درباره ظلم و ستم و هم چنین کمک به ظالمین در ظلم و اعوان سلطان جور و حاکم ستمکار و... روایات بسیار دقیق و غیر قابل اغماض آمده است که **مرحوم شیخ انصاری** بعضی از آنها را در **مکاسب محرمة** آورده است [۲۰]؛ تا جایی که نقل می‌کند: شخصی سؤال کرد که من لباس های سلطان را می‌دوزم، آیا من هم از اعوان ظلمه هستم؟ پاسخ شنید که معین ظالم آن کسی است که به تو سوزن و نخ می‌فروشد، اما تو جزء ظلمه و ستمکاران هستی؛ اگر این چنین باشد پناه بر خدا؛ رتبا عاملنا بفضلك و لا تعاملنا بعدلك یا کریم.

← نظر ملا احمد نراقی

مرحوم ملا احمد نراقی در خرائن [۲۱] می‌نویسند: در سال یکهزار و دو بیست و بیست و نه، در کاشان، یکی از مأمورین حاکم از **سید فقیری** مطالبه ی **مالیات** کرد و خیلی سخت گیری نمود؛ **سید** بیچاره اظهار عجز و ناداری کرد و چند روزی مهلت خواست و گفت از **حدم** رسول خدا شرم کن. آن شخص گفت: اگر کاری از **جَدَت** ساخته است، یا **شَرِّ** مرا از سر تو دفع می‌کند، یا پول به تو می‌رساند. از **سید** ضامنی گرفت و گفت: فردا **اَوَّل** آفتاب می‌آیم، اگر پول را ندادی، نجاست به حلق تو خواهم ریخت؛ به **جَدَت** بگو هر کاری می‌تواند انجام دهد. چون شب شد آن ظالم به پشت بام خانه خوابید. نیمه های شب از خواب بیدار شد و برای ادرار نمودن بر لب بام رفت و در تاریکی پا روی ناودان گذاشت و ناودان کنده شد و او از پشت بام به پایین افتاد. اتفاقاً زیر ناودان، چاه مستراح بود. در آن سرنگون شد و کسی هم از حال او خبر نداشت. چون روز شد او را یافتند که تا ناف در **نجاست** فرو رفته و آن قدر نجاست به حلقش فرو رفته بود که شکمش ورم نموده و مرده بود و **شَرِّ** او از سر **سید** دفع شد.

در نزد خداوند بدی نیست فراموش

چون تیغ به دست آری مردم نتوان کشت در نزد خداوند بدی نیست فراموش

این تیغ نه از بهر ستم کاری کردند انگور نه از بهر نیبذ است به چرخشت

عیسی به رهی دید یکی کشته فتاده حیران شد و بگرفت به دندان سر انگشت

که ای کشته که را کشتی تا کشته شدی زار تا باز کجا کشته شود آن که تو را کشت

انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس تا کس نکند رنجه به در کوفتن مُشت [۲۲]

ظلم گناه کبیره

ظلم از **گناهان کبیره**، و عذاب آن اشد، و ندامت آن بیشتر، و وبال آن بالاتر است. [۲۳] در **قرآن** بر ظالمان **لعن** شدید وارد شده، و در روایات **متواتر** مذمت و نکوهش عظیم و **تهدید** بر آن ثابت است. و اگر هیچ تهدیدی بر آن نباشد، همین آیات مبارکه برای ظالمان کافی است: «و لا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ؛ [۲۴] گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می‌دهند، غافل است! (نه، بلکه کیفر) آنها را برای روزی تأخیر انداخته است که چشم‌ها در آن (به خاطر **ترس** و **وحشت**) از حرکت بازمی‌ایستند.» و «و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ؛ [۲۵] آنها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست!».

منشأ ظلم

در واقع ظلم، ناشی از سرپیچی فوا از اطاعت **عقل** است که در نتیجه آن، بینش‌ها، گرایش‌ها، عواطف و احساسات انسان سمت و سوی دیگری می‌یابد. با ادامه یافتن این روند، حکومت صالح عقل، ضعیف و سرنگون می‌گردد و در مقیاسی وسیع‌تر جامعه را نیز فرامی‌گیرد. [۲۶]

یکی از مهم‌ترین علل ظلم، ضعف **ایمان** و باورهای دینی است. بی‌گمان باور نداشتن به **غیب** و **حیات اخروی** و حساب‌رسی و **پاداش** نیک و بد اعمال، موجب جرئت بر ستمگری می‌گردد. مدیریت ناصحیح قوای انسانی و تسلط ناکافی بر کنترل خواهش‌های نفسانی نیز یکی دیگر از اسباب تعدی، بلکه شایع‌ترین آنها است. هنگامی که انسان نتواند نفس زیادت خواه را تربیت و مدیریت کند، به ناچار برای ارضای آن از حد خویش تجاوز می‌کند و حقوق دیگران را زیر پا می‌نهد. مثلاً انسان حرصی که به مال دیگران چشم می‌دوزد، یا فردی که خُلق و خُوی تند و نامهربانی دارد و یا شهوت‌ران هزه‌ای که اسیر نفس سرکش خویش است، همه در معرض ستمگری قرار دارند و **امنیت اخلاقی جامعه** را تهدید می‌کنند. شاید از همین‌رو است که **قدرت** یا **ثروت** را از اسباب ظلم به شمار آورده‌اند. به واقع انسان نادان و ناساخته بجای استفاده صحیح از این نعمت‌های بزرگ، آنها را در مسیر کفران و ناسپاسی به کار می‌گیرد. [۲۷]

مصادیق ظلم

با توجه به مقدمه‌ای که ذکر شد باید گفت؛ هر گناه، خود مصداقی از ظلم است، ولی در آیات و روایات به صراحت برخی از گناهان از مصادیق ظلم شمرده شده‌اند، که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

← تجاوز از حدود الهی

تجاوز از **حدود** و **قوانین الهی** و مراعات نکردن آنها، ظلم است. در **قرآن کریم** می‌خوانیم: «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» [۲۸] و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویش ستم کرده است».

← توبه نکردن بعد از گناه

کسی پس از **گناه**، **توبه** نکند و گناه خود را ادامه دهد، این کار او ظلم است؛ چنانچه خدای تعالی در **قرآن کریم** می‌فرماید: «وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» [۲۹] و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند!».

← دوستی با دشمنان دین خدا

قرآن دوستی با دشمنان دین خدا، را ظلم می‌داند: «إِنَّمَا بُنِيَ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَتَّوَّهُمَ وَ مَنْ يَتَّوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» [۳۰] تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی **نهی** می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون‌راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است!».

← پرداخت نکردن انفاق واجب

سرپیچی کردن از **انفاق واجب**، ظلم است؛ «ای کسانی که **ایمان** آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، **انفاق** کنید! پیش از آن‌که روزی فرا رسد که در آن، نه **خرید** و **فروش** است (تا بتوانید **سعادت** و نجات از **کیفر** را برای خود خریداری کنید)، و نه دوستی (و رفاقت‌های مادی سودی دارد)، و نه **شفاعت** (زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود) و کافران، خود ستمگرند (هم به خودشان ستم می‌کنند، هم به دیگران)». [۳۱] ذیل آیه دلالت دارد بر این‌که سرپیچی کردن از **انفاق**، **کفر** و ظلم است. [۳۲] [۳۳] البته این تنها در انفاقات واجب، تصور می‌شود. [۳۴]

← ربا

گرفتن **ربا** ظلم است؛ در **قرآن کریم** بعد از نکوهش ربا [۳۵] می‌خوانیم: «ای کسانی که **ایمان** آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) **خدا** بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید اگر **ایمان** دارید! اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید **خدا** و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه نکنید، سرمایه‌های شما، از آن شماسمت (اصل **سرمایه**، بدون سود) نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود». [۳۶] این آیه دلالت دارد بر این‌که اولاً رباخوار ملکیتش نسبت به اصل مال امضا شده و ثانیاً گرفتن ربا ظلم است و برای این‌که ظلم نکند، ربا نگیرد. [۳۷]

← تکذیب آیات الهی

تکذیب و دروغ پنداشتن آیات الهی؛ گناه و ظلم است: «و کسانی که پیش از آنها بودند آیات پروردگارشان را تکذیب کردند ما هم به خاطر گناهانشان، آنها را هلاک کردیم، و **فرعونیان** را عرق نمودیم و همه آنها ظالم (و ستمگر) بودند». [۳۸]

← تأخیر در پرداخت بدهی

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «کوتاهی و تأخیر در بدهکاری که توانایی پرداخت آن را دارد، ولی نمی‌پردازد، ظلم است. اگر نداری با زبان خوش رضایتش را فراهم کن، و مهلت بگیر، با لطف و مدارا بازش گردانی، نه این‌که هم مالش را ندهی هم با او بدرفتاری کنی، که این پستی و فرومایگی است». [۳۹]

← سه نشانه ظالم

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «انسان ظالم سه نشانه دارد: مافوق خویش را نافرمانی می‌کند؛ به زبردستانش زور می‌گوید و با ستمکاران همراهی می‌کند». [۴۰] در این روایت، **حضرت علی (علیه‌السلام)** ضمن برشمردن نشانه‌های ظالم به برخی از بارزترین مصادیق آن نیز اشاره کرده است.

← شرک به خدا

امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» [۴۱] آگاه باشید، ظلم بر سه گونه است: ظلمی که هرگز بخشیده نمی‌شود و ظلمی که بدون مجازات نیست و ظلمی که (قابل بخشش است و) از آن بازخواست نمی‌شود. اما ظلمی که بخشیده نمی‌شود، **شرک به خدا** است. (البته در صورتی که انسان بدون **توبه** بمیرد) چنان‌که خداوند می‌فرماید: قطعاً خداوند شرک به خود را نمی‌بخشد. اما ظلمی که بخشیده می‌شود، ظلمی است که انسان با **گناهان صغیره**، به خود کرده است. و اما ظلمی که بدون مجازات نمی‌ماند، ظلم بعضی از بندگان به بعضی دیگر است که **کیفر** و **قصاص** در این مورد بسیار سخت است، و این ظلم فقط مجروح ساختن با کارد و یا زدن با تازیانه نیست، بلکه چیزی است که این‌گونه مجازات‌ها در برابرش کوچک است». [۴۲]

عدالت به معنای خاص

در مقابل ظلم به معنای خاص عدالت به معنای خاص قرار دارد که عبارت است از: باز داشتن خود از ستم کردن و آزار رساندن به دیگران و رعایت حقوق و امتیازات و نیز بر طرف نمودن ظلم از تمام افرادی که با آنها سر و کار دارد.

عدالت به معنای عام

عدالت به معنای عام نیز عبارت است از: انجام دادن تمام صفات حسنه و پسندیده ی انسانی و اسلامی. به هر حال، شرافت عدالت برای همه آشکار و واضح است. انصاف به آن موجب دوستی و صمیمیت و مشهور شدن در بین خودی و بیگانه است. نمی‌دانم که انوشیروان تا چه اندازه عادل بوده که این همه مشهور شده است؛ شاید نسبت به شاهان دیگر که همه نوع ظلم و ستم داشته‌اند و از هیچ آزار و اذیت و آدم‌کشی باکی نداشته‌اند (مثل قاجاریه، خانواده ی پهلوی و بنی امیه و بنی عباس و...) بهتر بوده است یا تظاهر به عدالت می‌نموده است.

عدالت در روایات

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) می‌فرماید:

«عدل ساعة خيرٌ من عبادة سبعين سنة قيام ليلها و صيام نهارها!» [۴۳] یک ساعت به عدالت رفتار نمودن، بهتر از هفتاد سال **عبادت** است که شب‌ها به **نماز** و روزها به **روزه** بگذرد.»

← روایت امام صادق

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

«العدل احدى من الشهد و آئین من الرّبد و اطيب ریحاً من المسک؛ [۴۴]: عدالت از غسل شیرین تر و از کره نرم تر و از مشک خوشبوتر است.»
میّه دل بر این دولت پنج روز به دود دل خلق خود را مسوز
چنان زی که ذکر ت به تحسین کنند چو مُردی نه برگورت نفرین کنند
نباید به رسم بد آیین نهاد که گویند لعنت بر او کین نهاد

← عدالت انوشیروان

امیرالمؤمنین(علیه السلام) در مدائن وارد شد و به ایوان آن تشریف برد و انوشیروان را زنده کرد و از حال او جويا شد. پاسخ داد که از بهشت محرومم، چون کافر مُردم؛ ولی از برکت عدالت و انصافی که در بین رعیت داشتیم، در آتش عذاب نمی شوم. [۴۵]

پانویس

۱. ↑ ابن درید، مجد بن حسن، جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۹۳۴، دار العلم للملايين، بیروت، چاپ اول.
۲. ↑ ازهری، مجد بن احمد، تهذیب اللغة، ج ۱۴، ص ۲۷۴، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول.
۳. ↑ ابن منظور، مجد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۷۲، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۴. ↑ واسطی زبیدی، محب الدین سید مجد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۷، ص ۴۴۸، محقق و مصحح: شبیری، علی، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۵. ↑ نراقی، ملا احمد، معراج السعادة، ۴۷۵، هجرت، قم، چاپ ششم، ۱۳۷۸ ش.
۶. ↑ نراقی، ملا احمد، نراقی، ملا احمد، ص ۲۷۶.
۷. ↑ بن حمید، صالح، موسوعة النضرة النعيم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم، ج ۱۰، ص ۴۸۷۱ - ۴۸۷۲، دار الوسيلة، جدة، چاپ چهارم.
۸. ↑ علیزاده، مهدی، اخلاق اسلامی(مبانی و مفاهیم)، ص ۲۱۲-۲۱۳، دفتر نشر معارف، قم، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۹. ↑ ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۴۲-۴۳.
۱۰. ↑ شعراء/سوره ۲۶، آیه ۲۲۷.
۱۱. ↑ شوری/سوره ۴۲، آیه ۴۲.
۱۲. ↑ نراقی، مهدی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۶۹.
۱۳. ↑ نراقی، مهدی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۶۹.
۱۴. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۲.
۱۵. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۱.
۱۶. ↑ نراقی، مهدی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۸.
۱۷. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۲.
۱۸. ↑ نراقی، مهدی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۸.
۱۹. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۰-۲۳۱.
۲۰. ↑ انصاری، مرتضی، مکاسب مجرمه، ص ۵۵، چاپ طاهر.
۲۱. ↑ نراقی، ملا احمد، خزائن، ص ۴۲۲.
۲۲. ↑ رودکی، جعفر بن مجد، بهار ادب، ص ۱۷۹.
۲۳. ↑ نراقی، ملا احمد، معراج السعادة، ص ۴۷۶.
۲۴. ↑ ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۴۲.
۲۵. ↑ شعراء/سوره ۲۶، آیه ۲۲۷.
۲۶. ↑ علیزاده، مهدی، اخلاق اسلامی(مبانی و مفاهیم)، ص ۲۱۴.
۲۷. ↑ علیزاده، مهدی، اخلاق اسلامی(مبانی و مفاهیم)، ص ۲۱۴-۲۱۵.
۲۸. ↑ طلاق/سوره ۶۵، آیه ۱.
۲۹. ↑ حجرات/سوره ۴۹، آیه ۱۱.
۳۰. ↑ ممتحنه/سوره ۶۰، آیه ۹.
۳۱. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۵۴.
۳۲. ↑ شریف لاهیجی، مجد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۲۵۰، تحقیق: حسینی ارموی (محدث)، میر جلال الدین، دفتر نشر داد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۳۳. ↑ طباطبایی، سید مجد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۲۲، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۳۴. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۵۸، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۳۵. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۵.
۳۶. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۸-۲۷۹.
۳۷. ↑ طباطبایی، سید مجد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۲۲.
۳۸. ↑ انفال/سوره ۸، آیه ۵۴.
۳۹. ↑ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۶۷، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴۰. ↑ امام علی، نهج البلاغة، ص ۸۶۰، حکمت ۳۴۰، حسون.
۴۱. ↑ نساء/سوره ۴، آیه ۴۸.
۴۲. ↑ امام علی، نهج البلاغة، ص ۳۹۴، خطبه ۱۷۶.
۴۳. ↑ نراقی، مهدی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۲۲.
۴۴. ↑ نمازی، علی، سفینه البحار، ج ۷، ص ۱۱۶.
۴۵. ↑ نمازی، علی، سفینه البحار، ج ۷، ص ۱۱۸.

منبع

پایگاه اسلام کوئست، برگرفته از مقاله «ظلم»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۴/۲۰.

اندیشه قم.